



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



24 دسمبر 2024

داکتر سید عبدالله کاظم

کمک انگلیس به محمد نادر خان برویت اسناد آرشیف ها

(مبحث سیزدهم)

انگلیس ها در مقابل اعلان پادشاهی دوباره امان الله خان در قندهار آرام نبودند و تدابیر خنثی کننده را در مقابل او رویدست داشتند. یکی از این اقدامات آنها نشر اعلامیه بیطرفی و عدم مداخله در امور داخلی افغانستان بود که چمبرلین وزیر خارجه انگلیس به جواب پرسشی از طرف یکی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس بتاريخ 30 جنوری 1930 بیان کرد و گفت: «شاه امان الله خلع خود را رسماً به اطلاع دولت برتانیه رسانیده است و تا زمانیکه واضح نشده باشد که او باوجود استعفایش بازهم از طرف مردم افغانستان بطور عموم بحیث پادشاه شناخته میشود، دولت برتانیه حکومت او را بحیث حکومت قانونی افغانستان تصویب نخواهد کرد».

نتیجه عملی این اعلامیه آن بود که حکومت هند به اسلحه و مهمات خریداری شده امان الله خان که در بنادر هند رسیده بود، اجازه انتقال نداد و نیز ورود تیل و بنزین طیاره و مواد حربی را از طریق سپین بولدک به افغانستان منع کرد و اما برعکس ورود تیل و بنزین طیاره را از طریق سرحد تورخم آزاد گذاشت تا قوای کلکانی برای تقویه بنیه نظامی خود از آن استفاده نماید، علاوه پسته سیاسی را به وزارت خارجه حکومت سقوی در کابل تسلیم داد. وقتی امان الله خان پس از شکست در غزنی وطن را ترک کرد، و بعد از اعدام والی علی احمدخان به امر حبیب الله کلکانی در کابل و برگشت غلام نبی خان چرخي از مزار شریف به جانب شوروی، میدان برای دو رقیب یعنی حبیب الله کلکانی و محمد نادر خان خالی ماند و انگلیس ها دیگر به حمایت و تقویه حکومت سقوی به حیث یک دوره انتقالی ضرورت نداشتند، لذا توجه خود را بطرف سپهسالار محمد نادر خان و برادرانش که در سمت جنوبی تازه به فعالیت آغاز کرده بودند، معطوف داشتند.

با در نظر داشت پالیسی بیطرفی نام نهاد انگلیس مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی افغانستان، آنها جداً میکوشیدند تا کمک های شان به مخالفین رژیم امانی مخفی نگهداشته شوند و بجای دادن مستقیم اسلحه به شورشیان، آنرا بصورت غیرمستقیم به قیمت بسیار ارزان و ناچیز در کوتل کوهات به اختیارشان می گذاشتند. در تلگرام 7 فبروری 1929 کمشنر عمومی ایالت شمال غربی از آمدن تعداد زیاد افغانها و افراد قبایلی به آنجا گزارش داده شده و تذکر رفته است که اسلحه که از حکومت افغانستان بدست آمده است، نیز درین جمله شامل میباشد، اما او [سفیر انگلیس] به انتقال این اسلحه به افغانستان مخالف نبود. (اسناد محرمانه آرشیف انگلستان، تلگرام شماره 118 مورخ 7 فبروری 1929 سفیر انگلیس در کابل)

داکتر عبدالرحمن زمانی در کتاب "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس" با مراجعه به یادداشت های محرمانه آرشیف هند بر تانوی به نشر چند سند مهم پرداخته که از ورای آن میتوان به حقایق درباره کمک های مالی و نظامی انگلیسها برای محمدنادر خان قبل از رسیدن به سلطنت آگاه شد، از جمله به اسناد ذیل عطف توجه شود:

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په څیر و لولی

1 - «تلگرام 29 مارچ 1929 کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی درپشاور حاکسیت که شاه ولی خان از طریق جدران و شاه محمود خان از طریق منگل و آریوب بتاریخ 25 مارچ به همراهی لشکر جدران و صبری که به آنها اسلحه داده است، از متون [خوست] بطرف گردیز حرکت میکرد. اما بین لشکر جدران و منگل منازعه بر سر تقسیم اسلحه رخ داده است. نادرخان میکوشد منگلی ها را قانع سازد تا رسیدن به گردیز مسئله تقسیم را به تعویق اندازند، ولی منگلی ها فکر میکنند چالی در میان بوده، لذا نادرخان در کوشش هایش ناکام شده و در نتیجه جنگ بین جدران و منگل به چور شدن بازار خوست منتج شده است. حرکت محمدنادرخان بطرف گردیز هم به تعویق افتاده و شاه ولی خان و شاه محمودخان هم به خوست برگشته اند.» (تلگرام شماره 312 مورخ 29 مارچ 1929 کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، سند (L/P&S/10/1203)

2 - «تلگرام 30 مارچ 1929 کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی در پشاور نشان میدهد که محمد نادرخان بعد از تقسیم 1500 تفنگ به لشکر جدران و 1500 تفنگ به لشکر منگل بتاریخ 27 مارچ بطرف گردیز حرکت کرد.» (تلگرام شماره 344 مورخ 30 مارچ 1929 کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی، (L/P&S/10/1203)

داکتر زمانی به این نظر است که: «این سه هزار تفنگ از جمله همان ده هزار تفنگ و پنجصد هزار کارتوسی بود که انگلیس ها به اساس راپور محمدنادرخان که قبلاً ذکر شد، برای لشکر ده هزار نفری اقوام مختلف تهیه دیده بودند و توسط مکوناچی پولیتیکل ایجنت ایجنسی کُرُم که بعد از تخت نشینی محمدنادرخان بحیث سفیر جدید انگلستان در کابل مقرر گردید، به او رسانیده شد.»

3 - «معاون کمشنر "بنو" بتاریخ 29 مارچ اطلاع داد که صاحبزاده محمدصدیق خان، یکی از اشخاصی که بحیث رابط معرفی شده بود، با نامه و پیغام شفاهی محمدنادرخان از خوست برگشته است و میخواهد آن نامه را شخصاً به سفیر انگلیس تسلیم کند. (تلگرام مورخ 29 مارچ 1929 معاون کمشنر بنو).

همفریز محتوای پیغامی را که قاصد محمدنادرخان آورده بود، چنین گزارش داد: "من [محمدنادر] بعد از آن از حبیب الله خواهم خواست تا تحت کابل را با شرایط سخاوتمندانه برای خود و پیروانش رها کند. اگر او نیروی کافی ما را ببیند، [این نظر را] قبول خواهد کرد. بعد از داخل شدن بکابل من جرگه نمایندگان تمام اقوام افغانستان را فرا خواهم خواند و از آنها پارلمانی خواهیم ساخت که قانون اساسی را ساخته و صلاحیت های شاه آینده را تعیین کند. روشن است که افغانستان بعد ازین توسط یک شاه مطلق العنان به آرامی اداره شده نمیتواند. بنابراین صلاحیت های شاه آینده باید به شدت محدود شوند. بعد از انجام اینکار نمایندگان اقوام، شاه خود را کاندید نموده و تحت شرایط معینه پارلمان تخت و تاج به وی پیشکش خواهد شد. از آنجائیکه به پیروان من باید پول داده شود، من برای ادامه این پروگرام به پول ضرورت دارم. بدون شک جنگ داخلی افغانستان برای مدت طولانی ادامه خواهد داشت. اگر برنامه من ناکام شود، افغانستان تجزیه خواهد شد.» (تلگرام شماره 292 مورخ 8 اپریل 1929 سفیر انگلستان در کابل از شمله به وزیر دولت در امور خارجه)

4 - «محمدنادرخان در ماه اپریل هم ایم ای حکیم M.A.Hakim نماینده شرکت ایبنر Ebner را با چند مکتوب نزد کمشنر عمومی ایالت سرحدی شمال غربی فرستاد و بصورت شفاهی تقاضای پرداخت پول نموده است. کمشنر گزارش میدهد که یکی از آن نامه های نادرخان که به فارسی بود، تاریخ انگلیسی 27 اپریل را داشت و در آن خواسته شده بود که آنرا شخصاً بمن نشان دهد. در نامه گفته شده بود که ما پیشرفت خوبی داریم و توانسته ایم اقوام جنوبی و مشرقی را متحد سازیم، ولی به پول نیاز داریم. در نامه بعد از هدایت به حکیم که مبلغ پنج هزار روپیه را با آدرسی در پاراچنار و مبلغ پنج هزار روپیه را به حامل نامه تادیه کند، ذکر شده بود که به حکومت [هندبرتانوی] مراجعه نموده بنام او [نادرخان] یا شخصاً و یا به نمایندگی از حکومت افغانستان قرضه بخواد.» (تلگرام شماره 292 مورخ 8 اپریل 1929 سفیر انگلستان در کابل از شمله به وزیر دولت در امور خارجه)

5 - «یک تقاضای شفاهی دیگر محمدنادرخان برای پول در ماه می 1929 توسط ایم ای حکیم صورت گرفت. شیخ محبوب علی سکرتر امور شرقی درباره این پیغام محمدنادرخان نوشت که ایم ای حکیم این پیغام را در سفر گرفته و به او هدایت داده شده تا آنرا به همفریز رسانده و منتظر جواب بماند. در پیغام آمده است که: "اقوام ولایات جنوبی و مشرقی بصورت مکمل از من حمایت میکنند و یک تعداد بزرگ جنگجویان را آماده ساخته اند. تنها مشکل من پول است، پولیکه بتواند برای مدت کوتاهی غذای لشکر را تهیه نموده و از غارت دیگران جلوگیری کند. دادن فوری دولک رویه هندی بمن نقش کلیدی برای تمام وضعیت را خواهد داشت". محمدنادرخان در ختم این پیام به وعده هایی اشاره کرده بود که در اروپا به او داده شده و حال وقت پوره کردن آن آمده است.» (تلگرام شماره 292 مورخ 8 اپریل 1929 سفیر انگلستان در کابل از شمله به وزیر دولت در امور خارجه)

6 - «محمدنادرخان بتاريخ 2 جون 1929 سردار احمدعلی خان را نزد مکوناچی فرستاده تقاضای پول و اسلحه بیشتر نمود. ایجنت سیاسی انگلیسها در گزارش خود مبنی بر حاصل گفتار سردار احمدعلی خان نوشت که بزرگترین نیاز سردار نادرخان به پول است. او اسلحه بیشتر نیز میخواهد، اما با آنچه در دست دارد، کارش را به پیش برده میتواند.» (یادداشت محرمانه شماره 630 مورخ 2 جولای 1929 پولیتیکل ایجنت کرم - پاراچنار)

7 - «محمدنادرخان بعد از آنکه امان الله خان از کشور برآمد و حضرت نورالمشایخ هم حمایتش را از وی (نادرخان) اعلام داشت، خود را زمامدار آینده افغانستان دانسته و در صدد گرفتن قرضه بنام افغانستان و دادن وعده های بلند و بالای قرار داد با شرکت های انگلیسی شد. حکومت ایالت سرحدی شمال غربی در یک مکتوب محرمانه خود، کاپی نامه ایم ای حکیم به آقای "لیلی" مسئول شعبه استخبارات را ضمیمه ساخته است که در آن ایم ای حکیم می نویسد: جنرال محمدنادرخان به او نوشته است که شیر آغا (حضرت نورالمشایخ) تصمیم قطعی گرفته است از او حمایت کند. او باز هم از کمبود پول شکایت نموده و میخواهد بداند که آیا حالا در روشنی بیرون رفتن امان الله خان از صحنه، حکومت انگلیسها حاضر به پرداخت قرضه هست؟ اگر حکومت خواهان دیکته کردن شرایط خاص باشد، جنرال از من میخواهد با حکومت هند مذاکره نموده، به مرکز او رفته و بعد از مطرح نمودن موضوع، وکالت نامه او را حاصل، پس به هند برگشته و بحیث نماینده با صلاحیت وی موضوعات مورد منازعه را با حکومت هند حل و فصل نمایم. ایم ای حکیم می افزاید که اگر حکومت هند بخواهد، تنها خواهش من هم رفتن به شیشونوک برای دیدن جنرال میباشد. جنرال نادرخان از من خواسته است به حکومت [هندبرتانوی] اطمینان بدهم که خانواده او مخلصانه خواهان تأسیس مناسبات نهایت دوستانه با حکومت هند بوده و به بهترین وجه از طرف خود خواهد کوشید تا جلو تبلیغات خارجی را گرفته و هرگز فرصت گمان نیات سوء حکومت افغانستان را به حکومت هند نخواهد داد.» (تلگرام و مکتوب محرمانه عاجل شماره 1506 مورخ 15 جون 1929 حکومت ایالت سرحد شمال غربی از ننتیه گلی) (برای شرح مزید دیده شود - زمانی، داکتر عبدالرحمن: "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس"، صفحه 441 تا 450؛ همچنان مقاله زمانی تحت عنوان: "نادرشاه به کمک مالی و نظامی و استخباراتی انگلیس ها به سلطنت رسید - از لابلای اسناد آرشیف انگلستان"، منتشره وبسایت "افغان جرمن آنلاین"، مورخ 18 دسمبر 2021)

از اسناد فوق و دیگر اسنادی که از قید محرمیت آرشیف های هندبرتانوی و انگلستان بیرون شده اند، واضح میشود که انگلیس ها حتی المقدور سعی میکردند تا در موضوعات حساس سند تحریری از خود بجا نگذارند که البته کمک های مالی، نظامی و استخباراتی به محمدنادرخان نیز در این ردیف شامل بودند و آنها اکثر پیام ها را بوسیله اشخاص رابط بین دوطرف بطور شفاهی و یا در قید رمز بین خود تبادل میکردند.

(ادامه دارد)

آرشیف: مطالب دیگر محترم داکتر سید عبدالله کاظم